

مطالعه جامعه‌شناختی روند شکل‌گیری هویت محله‌ای در تهران (مطالعه موردی پامنار و دهکده المپیک)

سید محمود نجاتی حسینی*

زهره شاه‌سیاه**

چکیده

شهر به عنوان نوعی خاص از سازمان یافتگی زندگی اجتماعی، کانون توجه بسیاری از صاحب نظران و اندیشمندان بوده است. به تعبیر برخی از آن‌ها، این سازمان یافتگی در نوعی پیوستار زمانی- مکانی بوجود می‌آید که از این طریق، شرایط بازتولید هویت فراهم می‌شود. محلات به مثابه بافتی از شهر و واقعیتی اجتماعی- فیزیکی در وضعیت مکانی و زمانی خاص توان استمرار دارند و از فرآیند کنش‌ها، تعلقات و انسجام جمعی در مرزبندی محلات، هویت محله‌ای بوجود می‌آید. تهران، کلان‌شهری است که در سال‌های اخیر با مسائل متعددی درگیر است. با مرکزیت پیدا کردن شهر تهران، افراد زیادی به دلیل بهره‌گیری از سهم روزافزون شهر تهران از امکانات، راهی این شهر شده‌اند و شهر با بحران در حفظ حافظه جمعی و هویت در سطح محلات روبرو شده است. از این‌رو، شناخت عوامل تاثیرگذار بر هویت محله و فهم چگونگی شکل‌گیری هویت محله‌ای نقش بسزایی در چگونگی حفظ هویت هر محله و پیشگیری از بحران دارد. این پژوهش در قالب توصیفی- تحلیلی به بررسی نظریات حافظه جمعی و هویت محله‌ای پرداخته است و نیز پژوهشگر با روش کیفی، داده‌های خود (۲۵ مصاحبه عمیق) را در سطح ۲ محله جمع‌آوری کرده است و نتایج را استخراج کرده است. نتایج حاصله حاکی از آنست که خاطره، خوانایی، تداعی معنا و تعلق به مکان (مفاهیم استخراج شده از مباحث نظری برای فهم چگونگی شکل‌گیری هویت محله‌ای) در هر یک از محلات به شکل متفاوتی در جریان است. قدمت تاریخی محله پامنار به نحوی تمامی مفاهیم مورد بررسی را تحت تاثیر خود قرار داده و تاریخ حلقه وابستگی افراد با محله شده است، در حالیکه در محله دهکده المپیک به دلیل بافت نوساز خود این مسئله مشاهده نشد و صرفاً عوامل بصری و کیفی شهری عامل تاثیرگذار در مفاهیم مورد بررسی است.

واژگان کلیدی: حافظه جمعی، هویت محله‌ای، خاطره، خوانایی، تداعی معنا، تعلق به مکان، تهران.

مقدمه

در سالیان اخیر تهران در حال تجربه نوعی دگرگونی ساختاری است. این دگرگونی در تمامی ابعاد شهری قابل مشاهده و درک است. سهم روزافزون تهران از امکانات، جذب بیشتر جمعیت مهاجر در تهران را به دنبال داشته است. ساختارها به افراد اجازه انجام اعمال در پهنه های زمانی و مکانی می دهد و امتداد و استمرار این اعمال رديادهايی را به جای می گذارد که در پیوستار زمانی و مکانی ساختارها تولید و بازتولید می شوند، حال اگر ساختار دچار دگرگونی شود نوعی اضطراب و ناامنی بوجود می آورد که این را می توان در دوران مدرنیته آشکارا دید. به تعبیر لوفبور(مدنی پور؛ ۱۳۸۴) اگر این فضا و ساختار به نوعی کالاواره شوند که این هم ناشی از روح سرمایه داری در دوران مدرنیته است، محیط و فضا به درجه صفر می رسد که این پایینترین نقطه تجربه اجتماعی است؛ نقطه آغاز برای تجربه ای از نوع دیگر. رشد سریع شهری در دوران مدرنیته که ناشی از افزایش مهاجرت و شهرنشینی در شهرهاست، تبعات بسیاری به دنبال داشته است که یکی از آنها بحران هویت است. بنابر نظرات کوین لینچ (فکوهی؛ ۱۳۸۷) شهر عرصه هویت یابی است، حال اگر هویت خود دارای اغتشاش شود، سردرگمی، گم شدگی لینچ که همان اضطراب و ناامنی گیدنز است به منصفه ظهور خواهد رسید. مسئله ای که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، چگونگی تولید و بازتولید هویت با توجه به حافظه جمعی شکل گرفته در محلات شهری است. خاطره، مفهوم استخراج شده از حافظه جمعی، کارکرد هویت بخشی به فضاها و ساختارها را انجام می دهد. اگر ساختاری برای حفظ خاطره و تشکیل حافظه نباشد، فراموشی ناشی از نبود ساختارها بوجود می آید که شرایط را برای ایجاد خلل در تولید و بازتولید هویت فراهم می کند، در نتیجه به تعبیر هالبواکس، گذشته از طریق عقلانیت بازسازی می شود که این باعث تحریف گذشته می شود و عقل از "ذخیره خاطرات انتخاب می کند، برخی را حذف می کند و بقیه را طبق افکار زمان حاضر شکل می دهد. برای همین تغییرات زیادی اتفاق می افتد" (Halbwachs, 1992: 183). از انباشت خاطرات در پیوستاری زمانی - مکانی حافظه جمعی، تولید و بازتولید هویت امکان پذیر می شود و عقلانیت و سرمایه داری در دوران مدرنیته این مسیر را دچار انقطاع کرده و به آرامی خاطره زدایی، خلل در تشکیل حافظه جمعی و در نهایت بحران هویت اتفاق می افتد و نسبت مستقیم عمق حافظه جمعی و تولید هویت مورد غفلت قرار می گیرد. این همان چیزی است که در تهران در حال رخ دادن است و پژوهش حاضر به آن پرداخته است. در این بخش به بررسی یافته های حاصل از مطالعات میدانی در دو محله پامنار و دهکده المپیک پرداخته می شود. هر یک از مفاهیم بررسی شده در هر میدان مورد مطالعه به صورت جداگانه جمع بندی و نتیجه گیری می شود و در آخر هم پیشنهاداتی برای پژوهش های آتی و محدودیت های پژوهش مطرح می شود.

از نظر گیدنز محل محیطی است که دارای مختصات جغرافیایی است و برای بررسی تمایز محلات از یکدیگر می - بایست آن ها را بصورت زمانی - مکانی بررسی کرد. کردار عوامل انسانی در طول زمان و مکان (محل) امتداد می یابد و شرایط تولید و بازتولید آن بوجود می آید. این امتداد رديادهايی را بوجود می آورد که با آن ساختار معنا پیدا می کند. رد یاد را می توان خاطره در نظریات هالبواکس تعبیر کرد. جمع و ترکیب خاطرات فردی اعضای یک جامعه از نظر هالبواکس چارچوب حافظه یک جامعه است. بنابراین برای بررسی حافظه جمعی می بایست خاطرات را به عنوان عنصر تشکیلی - دهنده آن در نظر داشت. خاطرات در هر دوره تولید و بازتولید می شوند و سرچشمه هویت می شوند. کوین لینچ (لینچ

۱۳۷۴؛ فکوهی ۱۳۸۷) دو عامل دیگر را نیز در در روند بازتولید هویت در مکان تاثیرگذار می‌داند، خوانایی و معنا. خوانایی یک مکان و معنای تداعی شده مکان در ذهن به علاوه خاطرات باعث بوجود آمدن مسیر بازتولید هویت مکانی می‌شوند. اما در دوران مدرنیته به دلیل مسلط بودن روح سرمایه‌داری در شهر؛ از نظر لوفبور (مدنی پور؛ ۱۳۸۴) نوعی کالاگونگی فضا بوجود می‌آید که محیط را به درجه صفر اجتماعی می‌رساند و لحظه‌ها از بین می‌برد و شهرها دچار بحران هویت می‌شوند. این همان است که گیدنز (۱۳۷۱) از آن به عنوان پیامدهای مدرنیته یاد می‌کند. حال تنها راه حل کارگشا در این شرایط سیاست‌گذاری درخور و مناسب شهری است تا بتواند شهر را از بحران هویتی برهاند و مسیر بازتولید هویت را فراهم آورد.

سوالات این پژوهش از این قرار است:

- سوال اصلی:

• چگونه حافظه جمعی شکل گرفته در محله باعث تولید و بازتولید هویت می‌شود؟

- سوالات فرعی:

• نقش خاطرات در تولید و بازتولید هویت محله‌ای چیست؟

• چه عوامل و مکانیزم‌هایی در تقویت / تضعیف حافظه جمعی این محلات شهری تهران موثرند؟

• چه عواملی در تولید و بازتولید هویت محله‌ای نقش دارند؟

مفاهیم اصلی با تعاریف ذیل در پژوهش بکار گرفته شده اند:

خاطره: یک تصویر یا اتفاق، حالتی از آگاهی است که پنداره‌هایی از ایزه‌ها و افراد، کلمات و معانی را بیان می‌کند.

خوانایی: بدین معناست که بتوان مکانی را از دیگر مکان شناخت و نسبت به دیگر مکان‌ها قابل تشخیص باشد.

تداعی معنا: تصویری است که چیزی از گذشته، تکه‌ای از فضا یا مفهومی را یادآوری می‌کند.

تعلق به مکان: بدین معنا است که فرد خود را جزئی از آن مکان بداند و فرد به حدی به مکان وابسته است که حاضر

به ترک محله نیست.

روش پژوهش

پژوهش اجتماعی استفاده از کاوش کنترل شده جهت کشف، توصیف، فهم، تبیین، ارزشیابی و تغییر دادن الگوها یا

توالی‌های منظم در زندگی اجتماعی است (بلیکی، ۱۳۸۴: ۵۶). هر پژوهش اجتماعی دربردارنده روش خاص خود برای

پاسخگویی به پرسش‌های اصلی خود است. واژه روش به معنای فنون گردآوری و تحلیل داده‌هاست (پیشین: ۳۰۲).

پژوهش به دو دسته کمی و کیفی تقسیم می‌شوند. هر نوع پژوهش، روش، تکنیک و طرح خاص خود را دارد. این

پژوهش در پی کاوش چگونگی تشکیل حافظه جمعی در مکان است؛ بدین معنی که می‌خواهد ساختارها و مکانیسم-

های موجود را بررسی کند و ثابت کند. بیان چگونگی مستلزم توصیف وضعیت مطلوب و مشخص ساختن مراحل و

رویه‌هایی برای حرکت از وضعیت موجود به مطلوب است (پیشین: ۱۶۲). توصیف روش پژوهش در این چند جمله،

حاکم از آنست که روش این پژوهش کیفی است. طرح‌های اصلی پژوهش کیفی به چند دسته تقسیم‌بندی می‌شود:

موردی، تطبیقی، گذشته‌نگر، مقطعی و طولی (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۵۶). طرح اصلی این پژوهش تطبیقی است. دو مورد

(محلّه) را انتخاب و به بررسی جنبه موردنظر (حافظه جمعی و هویت محلّه‌ای) می‌پردازد. ابتدا هر مورد به صورت مجزا بررسی و سپس با یکدیگر مقایسه و تحلیل می‌شود. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات برای پژوهش کیفی طبق نظر اووه فلیک (۱۳۸۸) از طریق ۲ دسته داده انجام‌پذیر است: داده‌های شفاهی (مصاحبه، روایت‌ها و گروه‌های متمرکز) و داده‌های چندکانونی (مشاهده، داده‌های بصری، اسناد و مدارک به منزله داده و تحقیق کیفی اینترنتی). در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها ترکیبی از این دو دسته است: مصاحبه، داده‌های بصری و استفاده از اسناد. مصاحبه موردنظر در این پژوهش، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساخته یافته در میدان مورد مطالعه است. سوالاتی با محورهای مشخص پرسیده شده است و با توجه به پاسخ‌های پاسخگو، پژوهشگر وی را در راستای محور مطالعاتی و مفاهیم موردنظر متمرکز و عمیق کرده است. در بخش داده‌های بصری، از عکس به عنوان وسیله پژوهش استفاده شده است و دوربین نیز به عنوان وسیله گردآوری داده است. دوربین امکان نقل و انتقال مصنوعات و ارائه آن‌ها در قالب تصویر و نیز گذار از زمان و مکان را فراهم می‌کند (پیشین: ۲۶۲)، در این پژوهش از دوربین برای نشان دادن و رسا کردن گزاره مصاحبه‌شوندگان درباره یکی از مفاهیم استفاده شده است. از بررسی اسناد هم برای جمع‌آوری داده درباره تاریخچه و وضعیت اجتماعی، اقتصادی و کالبدی محلّه‌های مورد نظر و گونه‌شناسی محلات استفاده شد. بدین منظور به منبع اطلاعاتی موردنظر که در این پژوهش، شهرداری تهران تنها منبع اطلاعاتی و اسنادی موجود است مراجعه شده است. این اطلاعات در سایت شهرداری تهران منتشر شده است که در این پژوهش به آن‌ها اکتفا شده است. از لحاظ زمانی پژوهش‌ها به انواع مختلفی دسته‌بندی می‌شوند؛ بنا بر دسته‌بندی‌های ارائه شده از سوی روش‌شناسان، این پژوهش مقطعی محسوب می‌شود. طی دوره زمانی مشخص به گردآوری اطلاعات پرداخته خواهد شد.

مکان مصاحبه‌ها در سطح دو محلّه (پامنار و دهکده المپیک) انتخاب شده است. هر مصاحبه ضبط شده و سپس پیاده‌سازی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس مفاهیم ارائه شده سوالاتی با این محورها پرسیده می‌شود و پژوهشگر به کندوکاو با توجه پاسخ‌های ارائه شده از سوی مصاحبه‌شوندگان پرداخته است. در راستای بررسی حافظه جمعی به بررسی ذهنیت مصاحبه‌شونده درباره محلّه، دل‌بستگی به محلّه، تفاوت محلّه نسبت به سایر محلات و خاطرات از محلّه پرسش‌هایی را مطرح کرد و هویت محلّه‌ای را با محوریت سوالاتی در مورد تعلق به مکان، جزئی از محلّه و ترک از محلّه آغاز کرده است. بر اساس مبانی نظری در این پژوهش، مفاهیم در مصاحبه‌ها مطرح شد و ترتیب خاصی در بیان موارد مطرح نبود.

نمونه‌گیری و جامعه هدف

ساختار نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت تدریجی و غیراحتمالی انجام شد و معیار اشباع نظری داده‌هاست. نمونه‌ها در ۲ میدان مطالعه انتخاب شده‌اند. بدین منظور نمونه‌ها به صورت تدریجی تا اشباع داده‌ای در میدان موردنظر انتخاب شده‌اند، سپس مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و داده‌ها از متون موردنظر استخراج و تحلیل شد. در مجموع ۲۵ مصاحبه در سطح ۲ محلّه جمع‌آوری شده است، محلّه پامنار ۱۰ مصاحبه و ۱۵ مصاحبه در دهکده المپیک انجام شده است. جامعه هدف در این پژوهش کنشگران شهری هستند که سابقه سکونت در هر محلّه داشته‌اند و دارند.

پامنار

تهران قدیم از چهار محله تشکیل شده بود: عودلاجان یا اودلاجان، سنگلج، بازار و چاله میدان. پامنار نامی است که شهرداری تهران به محدوده عودلاجان قدیم در تقسیم‌بندی محلات خود داده است. معنای کلمه عودلاجان را به سه نوع موجود است: ۱- در زبان تاتی تهران به معنای جای تقسیم آب است.



تصویر ۱: نقشه پامنار^۲

۲- به لهجه کلیمیان تلفظ عبدالله‌جان است. ۳- ترکیب دو واژه عود و لاجی که به دلیل قرار داشتن بازار عطاران به این نام شهرت دارد. در دوران قاجار عودلاجان از محلات اعیان نشین تهران بوده است و خانه‌های بسیاری در این محل یادآور شکوه هنر ایران در آن دوره بودند و هستند (شهباز طهماسبی، ۱۳۸۹: ۶). هم اکنون این محله با نام پامنار شناخته شده است و از غرب به خیابان خیام، مصطفی خمینی از شرق، شمال امیرکبیر و از جنوب به ۱۵ خرداد منتهی است. سه خیابان اصلی ناصرخسرو، پامنار و عودلاجان شریان‌های حیاتی این محله را تشکیل می‌دهند و به نوعی می‌توان این محله را قلب تپنده تهران قدیم و جدید دانست. اوراق تاریخ موقعیت اقتصادی و سیاسی این محله در ۲۰۰ سال گذشته را به خوبی نشان می‌دهد. ناصرخسرو، پامنار، عودلاجان و تمامی خیابان‌ها و کوچه‌های منتهی با آن شاهد حضور انسان‌هایی بوده است که خاطره‌ساز تاریخ تهران بوده اند. محورپامنار مناره‌ی آن است که متعلق به قرن سیزدهم است. امروزه این خیابان مرکز فروش فنس، ایرانیت و طلق است، ناصرخسرو مرکز فروش اجناس متنوع خارجی (همان)، پرچم و دارو است. عودلاجان از سهراهدانگی آغاز می‌شود و تا خیابان ۱۵ خرداد ادامه دارد. این خیابان سالیان سال محل سکونت کلیمی‌ها بوده؛ البته به تدریج از پیش از انقلاب اکثر آن‌ها از این خیابان هجرت کرده‌اند. چندین کنیسه در این منطقه موجود بوده و اکنون تعداد محدودی از آن‌ها باقی مانده است. در زمان‌های گذشته به گفته ساکنین این خیابان مرکز عتیقه فروشان بوده، البته در حال حاضر بیشتر مرکز کیف فروش هاست.

یافته‌ها

حافظه جمعی

خاطرات مصاحبه‌شوندگان در محله پامنار به اوقات سپری‌شده‌شان در محل می‌گذرد. به دلیل قدمت طولانی و مرکز سیاسی

² <http://region۱۲.tehran.ir/Portals/۰/Image/۱۰۰/۱۳۸۹/M۰.gif>

بودن محله، گاهی خاطرات آن‌ها متمرکز بر وقایع سیاسی یا اجتماعی است که در محله اتفاق افتاده است.

جدول ۱: پامنار - خاطره

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|----------------------------|---|--------------|
| <p>طلق‌فروش - ۵۵ ساله</p> | <p>"خود طول پامنار اون موقع که درشکه داشت. ما سوار می شدیم. پامنار، ته پامنار، دو زار می‌گرفتن. ضلع شمالی که بازرگانی شوروی هست، چشمه آبی داشت، که از اون چشمه آب می‌اومد بیرون تو خوب. ما بچه بودیم، جلو خوب آب رو می‌بستیم، می‌پریدیم توش شنا می‌کردیم. یا اون حمام قدیم پامنار که جنب منار، خاطره زیادی داریم."</p> | |
| <p>پرچم‌فروش - ۷۰ ساله</p> | <p>"اینجا درشکه بود؛ گاری بود، اصلا ماشینی وجود نداشت. در سال ۱۳۲۴ من اینجا بودم، هیچ اصلا ماشینی نبود. فقط دوچرخه بود. گاری بود و درشکه چهار اسب، سه اسب... بین طرف خودمون یه زمانی رضا شاه بود، مصدق، از دوره مصدق اینجا شلوغ بود، همه هم از اینجا شروع می‌شد... افسر می‌اومد می‌گفت واز کنید، وانی کردیم، می‌رفتیم تو این قهوه‌خونه این بغل می‌نشستیم تا اینا برن. بعد می‌رفتیم، شاه رو صبح می‌بردن، بعد از ظهر آوردنش، یادمه شعبون بی‌مخ آورد، شاه شاه،... تو پامنار ما بغل اون {آیت الله کاشانی} بودیم، همسایه بودیم، این محل نهضت بود، آخه آیت الله کاشانی لبنان بود، وقتی آمد خیلی ازش تجلیل شد. آوردن، همه اینا خیابونا جمعیت بود، آوردن، واردش کردن، اولین مخالفتش با شاه بود. دولت مصدق، بعدم با مصدق مخالفت، مخالفت...!"</p> | <p>خاطره</p> |
| <p>بازنشسته - ۶۵ ساله</p> | <p>"من از همه اینجا خاطره دارم؛ شما حساب کنید من اینقدر بچه بودم، زمانی که تو سی تیر سر و صدا می‌شد، خاطره دارم تا الان. من چون پدرم یکی از مریدای مرحوم کاشانی بود. منم از بچگی تو اون خونه بزرگ شد، همون خونه که توشو بهت نشون دادم، من اینقدر تو اون خونه، اینقدر اتفاقات دیدم، اینقدر جریانها دیدم، من هر گوشه این محل برام خاطره است، هر گوشه ایش که برم خاطره اس... من از این کوچیک‌تر که بودم، به دلایل خاص با پدرم جلساتی سری اون زمان که تشکیل می-</p> | |

| | | |
|---------------------------|---|--|
| | <p>شد، تو این کوچه پس کوچه ها، خونه‌ها بود، جلسات مخفی، چون پدرم عضو مجاهدین اسلام بود. اینکه من همیشه قد این بودم (به نوه خردسال خود اشاره می کند) دنبالش بودم. خیلی جریاناتو از نزدیک دیدم خیلی اتفاقاتی که افتاده از نزدیک دیدم خیلی جریانا رو از نزدیک لمس کردم. خیلی افرادی که با هر خصوصیتی کار کردن، زندگی کردن رفتن، اینا رو دیدم."</p> | |
| <p>بازنشسته - ۷۰ ساله</p> | <p>" ما یه زمانی جوون بودیم، اینجا پیر شدیم... بله... بیشتر عمرم همین جا بوده؛ ...خیلی خاطرات... خاطرات ۶۰، ۵۰ سال پیش."</p> | |

هویت محله‌ای

مصاحبه‌شوندگان دلیل خوانایی محله پامنار را قدمت تاریخی آن بیان کرده‌اند و از نظر آنان همین امر باعث متفاوت شدن محله شده است.

جدول ۲: پامنار - خوانایی

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|----------------------------|--|----------------|
| <p>طلق فروش - ۵۵ ساله</p> | <p>"این محله با همه محله‌های دیگه تهران فرق می‌کنه، آدماشم با هم فرق می‌کنن... احساس خودم رو دارم می‌گم. من حتی می‌گم شاید زیبا نباشه، عملیای این محل از همه عملیای ایران بهترن، اینجور احساس می‌کنم... پامنار کل محله عودلاجان ... رو یه خطی بینش کشیده. این دیگه مرکز ثقله عودلاجانه..."</p> | <p>خوانایی</p> |
| <p>پرچم فروش - ۷۰ ساله</p> | <p>"محله عودلاجان که شما برین قدیمترینشه. کلیمی ها اونجا بودن. بافتای خیلی قدیمی داره. آثار خیلی قدیمی. شاید بگم ۱۰۰ سال پیش."</p> | |
| <p>کاسب - ۳۵ ساله</p> | <p>"محدوده عودلاجان از همه جا بهتره... از لحاظ قدیمی بودن فقط این محدوده عودلاجانونه."</p> | |
| <p>بازنشسته - ۷۰ ساله</p> | <p>"شما الان بگین تهران کجاست، می‌گن محله عودلاجان تهران. اصل تهران از همین جاست."</p> | |

محله از نظر مصاحبه‌شوندگان تداعی‌کننده دوران گذشته است و یادآور روزگاری است که در آن گذرانده‌اند.

جدول ۳: پامنار - تداعی معنا

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|---------------------|-------|-------|
|---------------------|-------|-------|

| | | |
|---------------------------|---|-------------------|
| <p>بازنشسته - ۶۵ ساله</p> | <p>"جاتون از اون محله عوض می شه، برین یه قسمت دیگه تهران، یا شهرستان دیگه. اگه اینجا خاطره داشته باشین</p>  <p>تصویر ۲: خیابانی در محله پامنار</p> <p>موقعی که برمی گردین، مته اینه که یه فیلمی براتون تداعی می شه. لذتبخشه؛ خودش ارزشمنده. اینا برات تداعی می شه؛ برات لذت بخشه... تمام اینا رو مته فیلم جلوی چشم مجسم می کنم. حالا ممکنه بعضی اسما یادم بره ولی حرکات یادم نرفته باشه".</p> | |
| <p>کاسب - ۴۵ ساله</p> | <p>"من وقتی می یام خاطره گذشته رو دارم. یه زمانی می رفتم دو تومنی می دادم، از مدرسه می اومدم، غذا می خوردم. دو تا دو تومنی. اینا همش خاطره اس".</p> | <p>تداعی معنا</p> |
| <p>طلق فروش - ۶۰ ساله</p> | <p>تصویر ۳: خیابانی در محله پامنار</p> <p>"اصلا من حس می کنم همه خونه من اینجاست چون من اینجا به دنیا اومدم. مادرم اینجا بود، پدرم اینجا بوده، برادر و خانواده، همه اینجا، اصلا نمی تونم. هر جای دنیا برم، کما اینکه متجاوز از ۱۰، ۲۰ مرحله خارج از کشور، اروپا، من اینور و اونور. بعد برگشتم هیچ جا را به زیبایی این محل نمی بینم".</p> | |

تعلق به مکان حسی است که افراد حاضر به ترک محل نیستند و به آنجا دلبسته هستند. مصاحبه‌شوندگان در محله به‌حدی به محله وابسته هستند که حاضر به ترک محله نیستند و خود را جزئی از محله می‌دانند.

جدول ۴: پامنار - تعلق به مکان

| مفهوم | گزاره | مشخصات مصاحبه‌شونده |
|--------------|---|---------------------|
| تعلق به مکان | "ارقشو دارم، علاقشو دارم... باور کنین آگه بیان یه باغی بهم بدن ۵۰۰۰ متر تو نیاورون که همه مردم آرزو می‌کنن روزای جمعه برن یه پتو پهن کنن،... من حاضر نیستم برم... ارقشو دارم، محلمه، خونمه، معتقدم که اینجا زادگاهمه، جایی که توش پرورش پیدا کردم." | بازنشسته - ۶۵ ساله |
| | "وطنمه. مته اینکه شما پاتون رو ازین تهران می‌ذارید بیرون؛ بعد بر می‌گردید، بعد با تمام زیبایی های اونجا برمی‌گردید محلتون، خوشحال می‌شید. حالا از مملکت می‌ذارید بیرون، میرین تمام زیباییهای دنیا رو هم می‌بینید، وقتی می‌یاید ایران؛ اصلا یه آرامشی می‌گیرید، اون آرامش رو من دارم... هیچ زمانی دوست ندارم برم. کما اینکه خونم الان شهرک غربه، قبلا قلهک می‌نشستم، بعدم قبلشم پامنار می‌نشستم ولی هنوز خونم اینجاست... من همه زندگیم پامناره، یه موقع غم و غصه ام می‌گیره یه جایی، خیلی خوشحال می‌شم، می‌یام یه دور می‌زنم سبک می‌شم می‌رم." | طلق‌فروش - ۶۰ ساله |
| | "همیشه یه علاقه خاصی هم به عودلاجون داشتم. هر جا می‌رم، با افتخار به همه می‌گن بچه کجایی می‌گم بچه عودلاجون، بعضی ها شاید عارشون بشه، ننگشون بشه بگن." | کاسب - ۳۰ ساله |
| | "هر جا باشم، باید هر روز اینجا باشیم، اگر نباشیم، هفته‌ای ۲،۳ بار." | بازنشسته - ۷۰ ساله |
| | "برم کجا؛ فایده نداره، من اینجا آشنام." | آهنگر - ۸۰ ساله |
| | "یه ارقی دارم. از بچگی اینجا بزرگ شدیم. از بچگی اومدیم اینجا، محل کسب پدرمون بودیم. این محلو دوست داریم. اینجا هم زندگی می‌کنیم. در صورتی که این محله از محله های قدیمی و ارزونترین محله‌های تهرونه، هیچ جای تهران از لحاظ بافت مسکونی به این پایینی نیست. از همه جا ارزونتره و خیلی‌ها دوست ندارن. تو کوچه پس کوچش زندگی کنن. ولی ما به خاطر اینکه از بچگی اینجا بزرگ شدیم، محل کارمونه، | فروشنده - ۴۰ ساله |

بحران در حفظ حافظه جمعی

مصاحبه‌شوندگان چند عامل را به عنوان دغدغه‌های خود در محله بیان کرده‌اند:

ساخت و سازهای بی‌رویه؛

تخریب بناهای قدیمی و خاطره‌انگیز؛

اسکان مهاجران غیربومی در محله.

جدول ۵: پامنار - بحران در حفظ حافظه جمعی

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره |
|---------------------|---|
| فروشنده - ۴۰ ساله | "از نظر اینکه کوچه‌ها پهن شده و تر و تمیز شده بهتره. اما از نظر اینکه اون خونه‌های قدیم ۵۰۰-۱۰۰۰ متری رو خراب می‌کنن، آپارتمان‌سازی می‌کنن، می‌شه ۲۰ واحد ۳۰ واحد، یه عده هم از حاشیه شهر می‌ریزن این خونه‌ها، نه فرهنگشون می‌خوره، افراد قدیمی محله رفتن همه، انگشت شمار باشن، کسانی که از اشخاص سرشناس بازار بودن، استخوندارای تهران بودن، قدیمی، همه رفتن قلهک، رفتن شمرون، تجریش، همه خونه‌هاشونم خراب شده، شده آپارتمان ۲ واحد، ۳۰ واحد، افراد شهرستانی یا حاشیه نشین یا خریدند یا اجاره کردند، نشستن، بافت از لحاظ فرهنگی عوض شده، تک و توک هست، خونه‌های آنچنانی. بزرگ، خیلی کم افراد باشن، همه دیگه عوض شده." |
| کاسب - ۴۵ ساله | "یکی از چیزایی که تو محل هست، ناصر خسرو، مدارس قدیمیه، که خیلی از بزرگان از این خیابون، از مدارس اینجا فارغ التحصیل شدن، دارالفنون، مروی بودم، محله قدیمی، کوچه قدیمی، بافتشم عوض شد. مدرسه رو دیوارشم گرفتن، مغازه کردن، خیلی عوض شد." |
| بازنشسته - ۷۰ ساله | "یه روزی اونجا جایگاه سلطنتی و مدیریتی داشته، حالا جایگاهش برگشته اومده، داره کار تجاری می‌شه، اون بر اثر زمان و حادثه‌ها، در سر راهش بوده، اتفاقی که افتاده، طرز فکر مردم و سلیقه‌ها، دست به دست هم داده و به هر حال ویرانیها رو به وجود آورده، یه امتیازات دیگه رو کسب کرده، ولی ما اگه بخوایم بگیم این محله می‌تونه همون محله باشه، یه همچین چیزی نبوده و نیست و نخواهد بود... برنمی‌گرده، چون من که نباشم، جای من بچه من به این فکر نمی‌کنه... اصلا مردمی وجود نداره، ما الان نماز جماعت ظهرمون مسجدامون شلوغه، چون کاسبا ان، شبا خلوته، |

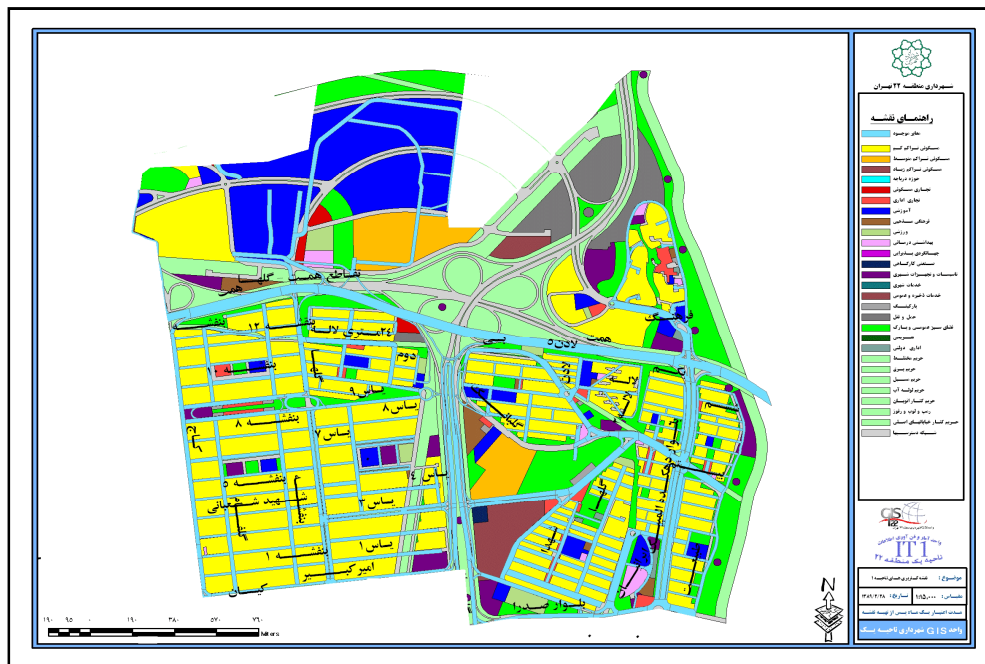
| | |
|---------------------------|--|
| | <p>چون سکنه دیگه وجود نداره، سکنه الان کجان، ... فروختن انبارش کردن".</p> |
| <p>طلق فروش - ۵۵ ساله</p> | <p>"همش خراب شده، مثلا من الان. دبیرستان برزویه می رفتیم. برای ما خیلی خاطره داشت، که الان خراب شد. شما فرهنگ قدیمی سستی از بین رفته، یه چند تا خونه-هایی مونده که اونا رو هم میراث فرهنگی دست گذاشته روش، که می تونید برید ببینید، دیگه قیافه خوبی نداره محل، همه خونه‌ها شده انبار، انبار بچه‌های بازار".</p> |
| <p>کاسب - ۳۵ ساله</p> | <p>" واقعا همین جا کوچه ها رو آگه نگاه کنی همه مخروبه شده، تموم آدمای کثیف، هر چی معتاد، هر چی آدم اراذل و اوباش بود تو این محدوده بود. یعنی شما سال ۶۱، از سال ۶۱ به بعد اینجا رو مخروبه شد. هر چی آدم عوضی و دزد و قاچاق فروش، هر چی آدم اینجوری بود می اومد تو این محدوده زندگی می کرد، سال ۶۱ خیلی اینجا تمیز بود، خیلی خوشگل بود... این محدوده واقعا محدوده خیلی خوبی بود. خوب بود تا زمانی که محدوده دست افراد خود اون محدوده بود، خیلی عالی بود. الانم که دست این مهاجرا افتاد و از هر شهری اومدن اینجا، شروع کردن به خراب کردن، ... هر کاری دوست داشتن می کردن، پول خوبی هم بدست می آوردن، یه سال می اومدن اینجا کار می کردن... اصل سیستم اینجا برگشته بود، تغییر کاربری داد، مسکونی شد مهاجر نشینو، خونه‌هایی که خریده بودن گرفته بودن، خونه‌ها رو داده بودن در اختیار مستاجر، مستاجری که همه اینجا می نشستن، اکثرا لر بودن، کرد بودن، لر و کرد اینجا زیاد بود، بیشترشون لر و کرد بود. تو محدوده بازار کار می کردن، بعدم که اینجا یه خونه‌ای رو اجاره کردن، ۱۰ تا ۸ تا ۹ تا یه اتاق ۱۰ متری می خواین زندگی می کنن، صبحم بلند می شن می رن، اینجوری بود، دیگه سیستم اینجا واقعا وحشتناک شده بود، واقعا وحشتناک شد... همه خراب شده، همرو خراب کردن، یکی هم تو کوچه عصارای یه حیاط بود، حیاط بزرگ، مال کلیمیا بود، واقعا بزرگ بود، خیلی خوشگل بود. ورداشتن خرابش کردن که مثلا میراث فرهنگی ور نداره، اینا خیلی زرنگی کردن، قبل از اینکه میراث فرهنگی دست به ملکای اینجا بذاره، مثلا میراث فرهنگی دست رو ملکای اینجا نذاشته، چون شخصی سازه. اینجا هیچ کاری ندارن، فقط محدوده امامزاده یحیی دست گذاشته، که ۲ طبقه و نصفی نمی دارن واسه ساخت و ساز، ولی اینجا نه... خونه‌هایی که اینجا هستش، خیلی خونه‌ها هست اینجا، واقعا خونه‌ها... مته کاروانسرا که شما الان می بینید اینجا، امثال این کاروانسراها تو این محدوده‌ها خیلی زیاد بود، ورداشتن تخریب کردن که از زمینش استفاده کنن، به مبلغای کلون می فروشن... چون وقتی همچین چیزو میراث فرهنگی بیاد دست بذاره روش. مثلا شما خودتون اومدین اون کاروانسرا رو دیدین، آگه مثلا طرف بخواد تغییر کاربری بده، هر کی اجاره بده، میراث فرهنگی دست می ذاره روش، نمی ذاره،</p> |

ولی ورداشتن اینجا، همه رو خراب کرده، راحت. دیگه کسی هم نمی‌یاد بگه چرا خراب کردی، چون ملکشه، کاریم نداره...!"

دهکده المپیک

تاریخچه احداث این محله به زمان برگزاری بازیهای المپیک در فواصل بین سالهای ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۷ برمی‌گردد. هدف از احداث چنین محله‌ای که تحت عنوان دهکده المپیک نامگذاری شده، ایجاد امکانات اسکان ورزشکاران سایر کشورها و همچنین توسعه و گسترش امر ورزش از نظر است. بعدها این محل تبدیل به مکان اسکان هموطنان جنگ‌زده در جریان جنگ تحمیلی شده است (به نقل از سایت منطقه ۲۲ شهرداری تهران^۳). از زمان به وجود آمدن این محله تا به امروز نسبت به سایر محلات در تهران مدت زمان طولانی نگذشته است. پیشترها این محله جزئی از منطقه ۵ تهران محسوب می‌شد اما در سالیان اخیر در منطقه‌ای به نام ۲۲ جای گرفته است. بعد از قرار گرفتن در منطقه‌ای مستقل این محله بسیاری رشد کرده است و هم اکنون یکی از محلات نوساز است. بلوار دهکده، گلها و خیابان امیرکبیر از خیابان های اصلی این محله محسوب می‌شود.

تصویر ۷: نقشه دهکده المپیک^۴



خاطرات مصاحبه‌شوندگان در محله دهکده المپیک متمرکز بر زمانی است که این محله با کمبود امکانات روبرو بوده است و در تمامی مصاحبه‌ها به آن به اشاره شده است.

^۳ . <http://region22.tehran.ir/Default.aspx?tabid=321>

^۴ . http://region۲۲.tehran.ir/Portals/۰/nahie۲۰۱۰/map/۱_A۰۹۰۱۱۴-۱۳۸۹۰۳۰۸-۴.gif

جدول ۶: دهکده المپیک - خاطره

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|-------------------------|--|-------|
| بلورفروش - ۶۰ ساله | <p>"اون وقت که اومدم اینجا... نه آب داشتیم، نه برق داشتیم، نه تلفن داشتیم، نه آسفالت داشتیم، هیچی نداشتیم، نه گاز، نه تلفن، بعدا به مرور زمان، مردم، خود محله، اقدام کردن... یا اصلا مغازه‌ام نبود، بلوار نبود، اینا بعدا ساخته شده."</p> | |
| کابینت‌ساز - ۴۰ ساله | <p>"ما آب نداشتیم سال ۶۳، تانکر بالای پشت بوم بود، بعد ما یه آقای داشتیم به نام میراب، هفته‌ای یه دفعه، حالا امکان داشت اون یه دفعه سه نصفه شب باشه، ۱۲ نصف شب باشه، می اومد داد می زد، می گفت من شیرو باز کردم، مردم نصفه شب بلند می شدن، بالای پشت بوم، یا در حیاط، تموم کارامونو می کردیم، وسایلمونو می شستیم، تمام نظافتو انجام می دادیم، تانکرا رم پر می کردیم، آب قطع می شد، بسته می شد، می رفت تا یه هفته دیگه، یا وقتی مثلا آب قطع می شد، آب نداشتیم، تانکرا تموم می شدن، مجبور می شدن با تانکر آب می آوردن، می خریدیم."</p> | خاطره |
| عروسک‌فروش - ۳۰ ساله | <p>"اون موقع که ما اومدیم اینجا، اینجا همش گندمزار بود، فقط شهر چشمه بود، بعد اینجا همش گندمزار بود، بعد مدرسمونم همون شهید بهشتی بود، اول اسمش شهید بهشتی بود، الان شده انتفاضه، بعد اونجا می رفتیم که، بعد یواش یواش اومدیم بالا، ۱۵ خرداد، بعد اینجاها یواش یواش ساخته شد، ازخاکی بودن درومد چیز شد، ولی می گم تو همون خاطرات اولیه‌مون مثلا همون رودخونه- ای که سمت خودمون بود تابستونا تو اون رودخونه شنا می کردیم، انواع اقسام مریضیا رو هم می گرفتیم."</p> | |
| لوازم التحریر - ۲۷ ساله | <p>"این محله والا اون موقع که ما اومدیم اینجا، ۲۵ سال پیش اومدیم اینجا، تو این راسته یه دونه ملک ما بود، یه دونه ملک آقای مهرجو... این دو تا بود، بعد اینجا آب نداشت، بعد آقای رجبی نامی بود، سه تا کوچه پایتتر می نشستن، اون با تانکر آب می آورد."</p> | |
| طلا‌ساز - ۴۰ ساله | <p>"اینکه یه زمانی اینجا آب نداشت، با تانکر آب می آوردن، به آب پول می دادیم، الان بهتر شده، الحمدلله، لوله کشی شده، تلفن نبود، تلفن مثلا می رفتیم کجا. اصلا این منطقه نبود می رفتیم میدون المپیک. تلفن می خواستیم بکنیم، شرکت واحدی نبود."</p> | |

هویت محله‌ای

مصاحبه‌شوندگان آرامش و نبود آلودگی هوا و صوتی را دلیل متفاوت شدن محله از سایر محلات می‌دانند.

جدول ۷: دهکده المپیک - خوانایی

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|----------------------|--|---------|
| بلورفروش - ۶۰ ساله | "اصلا محله خوبی، ما محله‌های دیگه آشنا داریم، اینجا بهتر از اونجاست. آرامش، آب و هوایش مخصوصا. حداقل ۴،۵ درجه از تهران خنک‌تره، بهتره، تمیزتره... نه، بهتر از این محله دیگه کجاست، ... مثلا شما می‌گید شمران، دربند، بهتره، نه اینجا بهتره، اینجا آلودگی خیلی کمتره، اینجا حاشیه شهره، تمیزتره، وسط شهر هم آلودگی داره..." | خوانایی |
| کابینت‌ساز - ۴۰ ساله | "فوق العاده، همین که این چیزا رو داره، هم اینکه خاک خورده همین جاییم. قدیمی هستیم، خیلی وقته ساکنیم، حالا می‌بینیم داره آباد می‌شه، محله خوبی می‌شه، هر چی می‌خوایم اینجا مهیاست، دیگه نیاز نیست بره اون سر شهر. فوق العاده آب و هوای خوبی داره، به همه جام دسترسی داره... محله‌هایی که می‌بینی فوق العاده ترافیکه، سر و صداست، ولی اینجا هر جا شما تکون می‌خوری پر بوستانه، آرامشه، شباش آرامش داره، ..." | |
| فروشنده - ۲۵ ساله | "خیلی... نامبر وانه، یک یک یک... اینجا یه دونس،... شما بگو اون چیزای شمرون، ولی باز برمی‌گردیم اینجا، یه چیز دیگه‌اس." | |
| | "اینجا مدرنه، جنوب شهر بخواین بری، پایین شهر، اما خوب اینجا می‌شه گفت اینجا بالا شهرتره، ظاهر شیک و قشنگتر باشه، بهتره." | |

محله دهکده المپیک در اذهان مصاحبه‌شوندگان تداعی‌کننده آرامش و نبود آلودگی شنیداری است که در محله

جریان دارد.

جدول ۸: دهکده المپیک - تداعی معنا

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|----------------------------|--|------------|
| عروسک فروش - ۳۰ ساله | <p>"اینجا سکوت خاصی، آرامش خاصی داره".</p>  <p>تصویر ۸: خیابانی در محله دهکده المپیک</p>  <p>تصویر ۹: خیابانی در محله دهکده المپیک</p> | تداعی معنا |
| لوازم التحریر - ۲۷ ساله | <p>"اینجا نسبت به جاهای دیگه خلوته، خوب مثلا من اصلا شرق تهران رو دوست ندارم، یعنی غرب تهران یه چیز دیگه است...-خوب این محله، خیابونای خیلی... نسبتا به جاهای دیگه شهرسازی نسبتا کاملی داره".</p> | |
| فروشنده - ۲۵ ساله | <p>"محله خوبی، اول چون قدیمییه محل، ۱۵ ساله، بعد آروم، دنج؛ ترافیک نداره، اما الان شما برو تو آرایشهر، آیت الله کاشانی تا خود صدقیه بخوای بری، یک ساعت باید تو راه باشی، اما شما تا ته هوانیروز را پیاده بری، ده دقیقه راهه، با ماشین بری یه دقیقه راهه، نه ترافیک، نه سروصدا، مردم کاری به کار همدیگه ندارن".</p> | |

| | | |
|-----------------|---|--|
| عطاری - ۴۰ ساله | <p>"خوب دسترسی هاش راحتتره، خیابوناش اصولی تره، ترافیک البته جدیدا شده، ترافیکش کمتره، آب و هواش تمیزتره... از لحاظ آب و هوایی و ترافیکش، از لحاظ زندگی، آخه یه مقدار شهرکش اصولیه. از لحاظ ساخت و ساز یه سری رعایت مهندسیشو کردن. به قول معروف فکر می‌کنم تنها شهرکیه که حالت ایزوچیزشو از شهرسازی گرفته، شهرسازیش درسته... بعد می‌گم که ترافیکش کمه، آب و هواش تمیزتره"</p> | |
|-----------------|---|--|

مصاحبه‌شوندگان به دلیل آرامش و عادت به محل حاضر به ترک محله نیستند و زندگی کردن در این محله را به زندگی کردن در سایر محلات ترجیح می‌دهند.

جدول ۹: دهکده المپیک - تعلق به مکان

| مشخصات مصاحبه‌شونده | گزاره | مفهوم |
|-------------------------------|---|--------------|
| کابینت‌ساز - ۴۰ ساله | <p>"من واقعا دوست دارم، اما قبلا نه نمی‌گفتم دهکده المپیک، می‌گفتم آریاشهر، الان واقعا دارم می‌گم دوست دارم، چون الان از هر جا هم می‌شنوی می‌گن دهکده، می‌گن خیلی آباد شده... دوست ندارم از اینجا به جای دیگه برم، چون خاطره دارم، ساخت خونمون که پدر خدایا مرزم زحمت می‌کشید. خیلی سختی کشید تا این خونه رو ساخت، خاطره دارم، دوس ندارم برم... خیلی نسبت به زمانی که اینجا نه آب بود، نه برق بود، آسفالت نبود، ما خاک خورده اینجاییم... هیچی نبود، اصلا شهرک گلستانی وجود نداشت، فقط اون بلوار دهکده بود، سختیاشو ما الان کشیدیم، ولی الان آگه به من بگن برو جای دیگه زندگی کن، اصن نمی‌رم."</p> | تعلق به مکان |
| عروسک فروش - ۳۰ ساله | <p>"اینو حقیقت نه، حتی اون شهرریم دارم می‌گم، آگه اونجام بهم خونه بدن دیگه نمی‌رم."</p> | |
| لوازم التحریر - ۲۷ ساله - مرد | <p>"اصلا نه؟! اصن آسایشی که این محله داره، هیچ جای تهران نداره"</p> | |
| فروشنده - ۲۵ ساله | <p>"نه، هیچ جا، اینجا یکه"</p> | |

| | | |
|--------------------|--|--|
| طلاساز - ۴۰ ساله | "آره دیگه، هر کس هر کجا بشینه، مال اون منطقه هستیم، هر کجای تهران ول کنن، دوست دارم برگردم اینجا؛ هر کجای تهران بگن بمون، دوست ندارم، دوست دارم فقط پیام تو این محله... ما عادت کردیم، دوست داریم اینجا بمونیم" | |
| بلورفروش - ۶۰ ساله | "نه دوست دارم همین جا باشم، به خاطر آب و هواش. واقعا بهترین آب و هوا رو داره. همیشه هم آمار می دن، تو روزنامه‌ها اینا، اینجا آب و هواش همیشه بهتره" | |
| عطاری - ۴۰ ساله | "آره دیگه، بعد ۱۰ سال، حس می‌دونم چه جوریه. یه بار با خانومم نامزد کرده بودیم. تو این خیابون می‌رفتیم، با همه سلام و علیک می‌کردیم، می‌گفت چه خبره. کار تو چیه مگه. گفتم وقتی دیگه کاسب محل باشی پیرزنو جوون و پیرمرد اینا. واسه همین همه رو می‌شناسم آره، چون من اگه بخوام برم بیرون حداقل با ۱۰ نفر باید سلام و علیک کنم، خوب همه یه حالت شناخته شده‌ای دارن اینه که فرقی نمی‌کنه، جوون پیر اینا. آره دیگه کاملا همه رو می‌شناسم." | |

بحران در حفظ حافظه جمعی

این محله به دلیل نوساز بودن با مسائل خاصی که مصاحبه‌شوندگان در سایر محلات به آن اشاره کرده‌اند، روبرو نبوده است و مصاحبه‌شوندگان در این محله به موردی اشاره نکرده‌اند.

بحث

پامنار

پامنار یکی از محلات قدیمی تهران است که تاریخ پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. پیش‌تر این محله با نام عودلاجان شناخته شده بود و اکنون با تقسیم‌بندی محلات انجام شده توسط شهرداری تهران با نام پامنار در نقشه محلات دیده می‌شود. این محله، محله اعیان‌نشینان و کلیمیان بوده است و اکنون به دلیل نزدیکی به بازار تهران (قلب اقتصادی کشور) محله‌ای تجاری و دارای کارکرد اقتصادی است. یافته‌های بدست آمده از این محله نشان می‌دهد، خاطرات مصاحبه‌شوندگان به لحظاتی می‌گذرد که در این محله گذرانده‌اند و شامل تمامی ابژه‌ها و افراد است. همان‌گونه که هالبواکس می‌گوید خاطرات آن‌ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با دیگران به یادآورده می‌شود و با سوالات پژوهشگر همه زنده می‌شد. البته شایان ذکر است به دلیل نقش محوری محله از زمان پایتخت شدن تهران، محله شاهد حوادث گوناگونی بوده است که حوادث رخ داده نیز در خاطرات شنیده می‌شد. خاطرات افراد مصاحبه شده در محله پامنار به زمان‌های گذشته‌ای برمی‌گردد که افراد در محله اوقات خود را گذرانده‌اند، چه در حال تحصیل، بازی یا بودن

در کنار خانواده. البته این خاطرات گاهی گره خورده با وقایع سیاسی نیز هست. افراد تمام محله را در بردارنده خاطراتی می‌دانند که مانند گنجینه‌ای برای آن‌ها حفظ شده است. افراد به دلیل گذراندن سال‌های متممادی در محله تمام خاطرات خود را معطوف به عمر گذرانده شده خود می‌کنند تا تعداد سال‌های سپری شده نشان از تعداد بسیار خاطرات شود. افراد مصاحبه‌شونده این محله را از تمامی محلات دیگر متفاوت دانسته‌اند. مصاحبه‌شوندگان دلیل خوانا بودن محله را قدمت تاریخی محله می‌دانند و محله را از نظر آنان منحصر به فرد کرده است. محله پامنار به دلیل وجود خاطرات متعدد برای افراد تداعی‌کننده دوران گذشته‌ایست که باعث بوجود آوردن معنایی متفاوت برای آن‌هاست. افراد محله را از خود دانسته و خود را نیز متعلق به آن می‌دانند. حاضر به ترک محله نبودن و به جای دیگر نرفتن، عوامل تاثیرگذار بر احساس ریشه‌داری در محل است. خاطرات متعدد افراد در سالیان طولانی باعث شکل‌گیری حافظه جمعی و در نتیجه باعث ایجاد هویت محله‌ای شده است. اما مسئله‌ای که سالیان اخیر در این محله در حال رخ دادن است نوعی خاطره‌زدایی، انقطاع در مسیر تشکیل حافظه جمعی و نوعی فراموشی شهری است. با مرکزیت پیدا کردن شهر تهران در کشور، سیل افسار گسیخته جمعیت از دیگر شهرها به شهر تهران را با نیازهای متعدد و فوری شهری روبرو کرده است که محوریت آن بر مکانی بر سکنی گزیدن است. تخریب خانه‌های قدیمی، مهاجرت افراد جدید و غیر بومی به این محله، تبدیل شدن به مرکز ثقل تجاری و سودآورانه مواردی است که مصاحبه‌شوندگان به عنوان دغدغه‌های خود بیان کرده‌اند. این امر تضعیف حافظه جمعی را به بار آورده و باعث اختلال در حفظ حافظه جمعی و تولید و بازتولید هویت محله‌ای می‌شود. مصاحبه‌شوندگان مخروبه شدن محله را دلیل ترک اهالی قدیمی از محل عنوان کرده‌اند و نبود آن‌ها با حضور افراد مهاجر پر شده است. این مسئله از آن جهت قابل تامل است که نه تنها هویت محله‌ای تخریب می‌شود بلکه هویت جدیدی در حال شکل‌گیری است که نه تنها با هویت جاری در زمان‌های قبل بیگانه است؛ هم‌چنین می‌بایست شاهد تغییر در هویت تهران نیز بود.

دهکده المپیک

محله دهکده المپیک از محلات نوساز- مدرن تهران محسوب می‌شود. مصاحبه‌شوندگان در این خاطراتشان در این محله معطوف به زمانی است که این محله فاقد هر گونه امکاناتی بود و به تدریج رشد پیدا کرده است. مصاحبه‌شوندگان متفاوت بودن و خوانایی محل را به دلیل آرامش، نبود آلودگی در هر نوع و ترافیک می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان دهکده المپیک را تداعی‌کننده آرامش و تفاوت فضایی نسبت به دیگر فضاها در سایر محلات می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان به دلایل متعدد (آرامش، نوسازی و عادت) خود را جزئی از محل می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان به دلیل شناخته بودن، عادت کردن به محله بعد از چندین سال سکونت حاضر به ترک محله نیستند. این محله در سالیان اخیر رشد بسیاری کرده که با زمان قبل آن اصلاً قابل مقایسه نیست. در دوران توسعه‌نیافتگی این محله ساکنین محله از نام بردن نام محله به عنوان محل سکونت خود احساس شرم می‌کرده، اما اکنون با پیشرفت و تغییرات چشم‌گیری که در سطح محله قابل رویت است، آن‌ها به محل سکونت خود افتخار کرده و آن را محله‌ای یگانه از حیث طراحی شهری، نبود ترافیک، وجود آرامش و نبود هر گونه آلودگی صوتی و هوا می‌دانند. افراد مصاحبه‌شونده خاطرات متعدد خود را از محل به عنوان عامل ریشه‌داری در محل ذکر کرده‌اند. اما بی‌شک تغییرات و رشد سریع بیشتر بر حس تعلق مکان آن‌ها دلالت داشته و محله را به

حدی در نظرشان منحصر بفرد کرده که حاضر به ترک محل نیستند. این محله به دلیل نوساز بودن و دارا بودن بافت جدید به آن صورت با پدیده خاطره‌زدایی و اختلال در حفظ حافظه جمعی روبرو نیست. این محله نوزایی شهری را در حال تجربه کردن است که هویت خود را سالیان آتی پیدا خواهد کرد و چرخه بازتولید هویت محله‌ای هم به جریان خواهد افتاد.

پامنار و دهکده المپیک

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در دو محله می‌توان اذعان داشت که در هر دو محله خاطرات مصاحبه‌شوندگان در سیر زمانی-مکانی، باعث تقویت تعلق مکانی شده است. متفاوت بودن محله با سایر محلات، خو گرفتن با محله، تداعی‌کننده معنایی یکسان از محله بین ساکنین، هویت یگانه را برای محله رقم زده است و با افزایش تعلق مکانی ساکنین و عوامل تشکیل‌دهنده هویت روند بازتولید هویت در جریان است. همان‌گونه که در جدول ذیل بیان شده است، هر محله‌ای با توجه به شرایط خاص خود، منحصر بفرد است و در این جدول می‌توان تفاوت دو محله را در مفاهیم مورد بررسی پژوهش مشاهده کرد.

| دهکده المپیک | پامنار | محله مفهوم |
|----------------------------------|----------------------------------|---------------|
| خاطرات از زمان توسعه نیافتگی محل | خاطرات اجتماعی، سیاسی و خانوادگی | خاطره |
| خوانایی کیفی | خوانایی تاریخی | خوانایی |
| آرامش و نبود آلودگی | گذشته معنادار | تداعی معنا |
| ✓ | ✓ | تعلق به مکان |

جدول ۱۰: طبقه‌بندی مفاهیم بر اساس محلات

دو محله پامنار و نارمک به دلیل گره‌خوردگی فضا با حالتی سنتی و قدیمی در سال‌های اخیر شاهد مسائل نوظهوری است که دغدغه مصاحبه‌شوندگان محسوب می‌شد. البته شایان ذکر است که تغییرات در پامنار به دلیل قدمت تاریخی خود و ترکیب یک دست بافت قدیمی و سنتی مسائل برجسته‌تری را به همراه داشته است و می‌بایست سرفصلی برای حفظ هویت تاریخی آن در برنامه‌های سیاست شهری گنجانده شود. در دوران مدرنیته، شهرها با سایه انداختن روح سرمایه‌دارانه در سطح خود روبرو هستند که تهران هم از این مسئله مستثنی نبوده است. محله پامنار به دلیل مهاجرت بی‌رویه به این بخش از تهران به دلیل نزدیکی به بازار، تغییر کاربری محله از مسکونی به تجاری، تبدیل شدن خانه‌های مسکونی به انبار کسبه بازار یا خانه‌های استیجاری برای مهاجرین شاغل در بازار و در نتیجه با مسئله از بین رفتن حافظه جمعی و هویت روبرو است. این مسائل همه یادآور کالاهای گوناگونی فضای مصنوع گیدنز و از بین رفتن لحظه‌های لوفبور است. حال مسئله تامل برانگیز اینست که: غفلت مسئولین و سیاست‌گذاران شهری از وضعیت آسیب‌زا و بحرانی این محله، که به

خاطره‌زدایی، هویت‌زدایی و نوعاً محله‌زدایی منجر شده است را می‌بایست از چه دانست؟ فراموشی شهری زمینه‌ای است برای ساخت مجدد و ایجاد هویتی جدید که بر مبنای عقلانیت و سوداگری دوران مدرنیته است و نتیجه‌ای جز حفظ و حذف خاطرات مشخص بنابر نیازهای مسلط زمان حاضر و تغییر گذشته به دنبال نخواهد داشت. تاریخ شهر تهران زائیده شده و تبلور یافته از این محله است و تغییر گذشته پامناز با تغییر گذشته تهران برابری می‌کند. دهکده المپیک را می‌بایست منطقه‌ای نوساز دانست که تازه وارد چرخه تشکیل حافظه جمعی شده است و دچار بحران هویتی نیست. این محله به دلیل نوساز بودن ناخودآگاه پذیرای ساکنین است تا بتواند وجود خود را در عرصه شهر تهران به منصفه ظهور برساند و دارای هویتی یگانه شود و در چرخه زمانی - مکانی هویت خود را باز تولید کند.

منابع

- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۹). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، (حسین چاووشیان، مترجم). تهران: نشر نی.
- شهباز طهماسبی، فریده. (۱۳۸۹). *اودلاجان تا عودلاجان، نشریه اجتماعی-فرهنگی محله عودلاجان*، شماره ۱، صص ۶-۷.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۷). *انسان‌شناسی شهری*، تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، (هادی جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی، پیش‌درآمد انتقادی*، (ابوطالب فنایی، مترجم). شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۵). *سیمای شهر*، (منوچهر مزینی، مترجم). تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی. (۱۳۸۴). *طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی)*، (فرزاد مرتضایی، مترجم). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

Halbwachs, Maurice. (1992). *On Collective Memory*, translated Lewis A Coser, Chicago & London: The University of Chicago Press.

http://region22.tehran.ir/Portals/0/nahie2017/map/1_A_090114-13890308-4.gif

<http://region12.tehran.ir/Portals/0/Image/100/1389/M5.gif>

<http://region22.tehran.ir/Default.aspx?tabid=321>

Relation between collective memory and local identity production in Tehran

Nejati Hosseini, M. (Ph.D)

Shahsiah, Z (M.A)

Abstract

City as a special kind of social life structure has been the focus of many scholars and thinkers. To interpret some of them, this structure comes through a time-place continuum which provides identity reproduction. Communities as town texture and physical- social reality can have continuation in the particular time and place condition and local identity is created from the process of actions, affiliations and social cohesion in the communal boundaries.

Tehran, metropolitan, which in recent years involved with numerous issues. By Tehran centralization, many people to take advantage of the increasing share of the facilities in Tehran depart to this city, and city has confronted with crisis in preserving the collective memory and identity crisis in the communities. Hence, this research in a descriptive - analytic study reviewed the collective memory and local identity theories, and researcher with qualitative methods collected data (25 interviews) in 2 communities and the results have been obtained. This research is going on with the review of important factors on identity and weakening and strengthening of collective memory, identity search production and reproduction of the local identity.

Key words: collective memory, local identity, recollection, feasibility, meaning reminder, place belonging, Tehran